

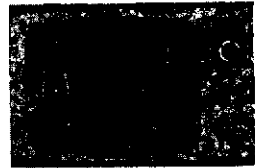
# تلویزیون و کارگردانان فرهنگ

دکتر محمد سلیمی

در بحث از رسانه، موضوعات مهم بسیاری وجود دارند؛ ولی به نظر می‌رسد بررسی نقش آفرینی رسانه ای چون تلویزیون، در دین گستری یا دین زدایی، اهمیت به‌سزایی دارد؛ اما چرا؟ در گذشته‌ای نه چندان دور، معیارهای توسعه یا اقتصادی یا حداکثر اجتماعی بودند؛ ولی اکنون معیارهای فرهنگی اهمیت دو چندان یافته‌اند؛ به گونه ای که در سطح جهانی، فرهنگ مهم‌ترین هدف توسعه به شمار می‌آید. همین مسئله ضرورت توجه به فرهنگ و عوامل مؤثر بر فرهنگ را گوشزد می‌کند. رسانه‌های نوین، از جمله رادیو و تلویزیون، از ابتدای تکوین و توسعه خود، تغییر و تحولات اجتماعی و فرهنگی بسیاری را موجب گردیده‌اند و امروزه نیز ابزار اصلی گفتمان سازی و تأثیرگذاری بر افکار، گرایش‌ها و احساسات عمومی، در سطح جوامع و جهان هستند. تأثیرات فرهنگی رسانه و بررسی نقش آن در گسترش و تعمیق فرهنگ دینی یا ترویج فرهنگ و نظام غیردینی - سکولار سازی - از مباحث اساسی در این حیطه است. از طرفی، نقش چشمگیر رسانه‌های نوین در تحولات فرهنگی، انکارناپذیر است. در حال حاضر، رسانه‌های دنیا نقش به‌سزایی در فرهنگ سازی و جریان سازی فرهنگی ایفا می‌کنند.

پیش از پرداختن به نقش آفرینی رسانه، ارائه تعریفی از سکولاریسم لازم است. گرچه نمی‌توان سکولاریسم را مکتبی کامل تلقی کرد؛ ولی می‌توان برای آن تعریفی در نظر گرفت که ابعاد وجودی آن را تا اندازه ای در بر گیرد.

مفهوم سکولاریسم را می‌توان به داشتن بیش از دنیای نسبت به انسان، جهان و حتی دین تعریف کرد. مکتب سکولاریسم در طول حیات خویش، این مراحل را طی کرده است:  
در مرحله ابتدایی، سکولاریسم تنها به معنای تفکیک دین از سیاست بوده است. در مرحله دوم،



دکتر محمد سلیمی

متولد سال ۱۳۳۶ شهر محلات

## تخصصات:

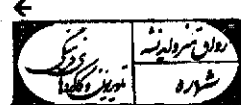
دکترای مدیریت فرهنگی علوم و تحقیقات از دانشگاه آزاد اسلامی تهران

## تالیفات:

تدوین طرح جامع فرهنگ عمومی (کار جمعی)

تدوین طرح مبارزه با فقر، فساد، تباهی (کار جمعی)

تدوین طرح باید‌ها و نبایدهای برنامه سازی صدا و سیما



برتری دولت بر نهادهای دینی شکل گرفت؛ یعنی برتری دولت بر کلیسا یا هر نهاد دینی دیگر. در حقیقت، شرایط به گونه‌ای پیش رفت که گفته شد اگر کلیسا عضوی از جامعه است، باید به قوانین و شرایطی که دولت برایش تعیین می‌کند، تن دهد. مرحله سوم که خطرناک‌ترین مرحله بوده و است، نگرش مادی به دین و تأویل دین بر اساس همان نگرش است؛ یعنی مفاهیم و حقایق دینی بر اساس نگرش مادی و دنیایی به دین، توجیه و تفسیر شد.

در این میان، هنگامی که به تعریف فرهنگ دقت می‌کنیم<sup>۲</sup>، در می‌یابیم در تعریف نزدیکی بسیاری با مفهوم سکولاریسم دارد؛ چرا که در آنجا نیز سخن از نگرش به جهان و شیوه تعامل با جهان است. البته برای فرهنگ تعابیر دیگری هم وارد شده است.

فرهنگ دارای ویژگی‌هایی است. یکی از ویژگی‌های آن فرآگیری است. یعنی فرهنگ امری اجتماعی و فراگیر است و موضوعی نیست که به یک فرد یا موضوع خاص مربوط شود، بلکه مسئله‌ای اجتماعی است؛ زیرا در فرهنگ، مسائلی بروز می‌کند که از شکل فردی خارج می‌گردد و بر همه انسان‌ها را تأثیر می‌گذارد.

دومین ویژگی، ریشه‌دار بودن فرهنگ است. بسیاری از صاحب‌نظران بر آنند که اگر برخوردی سطحی با فرهنگ‌ها داشته باشیم، این برخورد موجب قضاوت عجولانه و نابه‌جا درباره آن مردم و آن فرهنگ‌ها خواهد شد؛ زیرا فرهنگ‌ها دارای لایه‌های گوناگونی هستند و باید در مطالعات فرهنگی، این ریشه‌ها و لایه‌ها را واکاوی نمود.

فرهنگ را به طور عمده، شامل سه لایه می‌دانند؛ لایه نخست، جلوه‌های ظاهری یک فرهنگ است که آداب، رسوم و رفتارهای مردم آن فرهنگ را در بر می‌گیرد. دومین لایه ارزش‌های مشترک و علائق مشترک است. سومین لایه هم بینش‌های اساسی آن فرهنگ است. سومین ویژگی فرهنگ که از ویژگی دوم ناشی می‌شود، بنا کردن فرهنگ بر بنیاد نگرش‌ها و بینش‌ها است. این سخن بدان معنا است که ادیان نه تنها ربنای جامعه هستند، بلکه زیربنای‌ترین لایه را در فرهنگ تشکیل می‌دهند. بر اساس این مبنای فرهنگ‌ها را در کلی‌ترین سطح آن، می‌توان به دو فرهنگ الهی و مادی تقسیم کرد. به همین دلیل، باید گفت پیامبران و اولیای الهی فرهنگ‌سازان اصلی تاریخ هستند که منشأ ساختن فرهنگ‌های اصلی در طول تاریخ بوده‌اند.

ویژگی چهارم فرهنگ، نظام مند بودن آن است؛ یعنی فرهنگ یک مجموعه به هم پیوسته و یک کل پویا است. این پویایی بدان معناست که هم دارای پایداری نسبی است و هم توانایی تغییر دارد؛ تغییراتی که می‌توانند پنهان و آشکار رخ دهند. ویژگی بعدی فرهنگ قابلیت انتساب و انتقال است. اکنون با توجه به این ویژگی‌ها، بهتر می‌توان درباره اصل بحث که کارکردهای

و تالیف مقالات متعدد در نشریات کشور

#### مسئولیت‌ها:

پژوهشگر فرهنگستان علوم اسلامی و

موسسه تحقیقاتی و فرهنگی مفید

(۱۳۸۶ - ۱۳۸۱)

مسئول واحد تحقیقات فرهنگی بنیاد

مستغنیان و جابباران (۱۳۷۱ - ۱۳۶۹)

مسئول واحد نقد و ارزیابی مرکز

پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

(۱۳۴۶ - ۱۳۴۵)

مسئول کنونی واحد تحقیقات بنیادین

مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما



۱. می‌توان دین زدایی را همان سکولاریزاسیون دانست که هدف غایی آن به حاشیه راندن دین در جامعه است. ۲. فرهنگ را به نوع نگرش ما به جهان اطراف تعریف کرده‌اند. تعریفی که از سوی کارشناسان فرهنگی یونسکو تأیید شده است.

۳. امام خمینی (ره) فرموده‌اند فرهنگ یعنی آنچه که به هر جامعه‌ای هویت و موجودیت می‌بخشد یا تمایز دیگری از بزرگان مانند فرهنگ به منزله روح یک ملت، فرهنگ به منزله پذیرفته شده‌ها و ناپسندهای جامعه و...



فرهنگی تلویزیون است، سخن گفت.

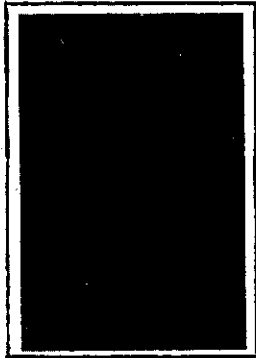
کارکردهای فرهنگی تلویزیون عمدتاً در سه حوزه، مورد بحث قرار می‌گیرند: حوزهٔ تکنولوژی، مدیریت و برنامه‌سازی. در مورد دو حوزهٔ اخیر، یعنی حوزهٔ مدیریت و برنامه‌سازی، تأثیر بینش‌های سکولاریستی قابل انکار نیست و صاحب‌نظران بر این باورند که بینش انسان‌ها، مدیران و برنامه‌سازان بر کیفیت برنامه‌سازی و کیفیت تأثیرات فرهنگی اثر می‌گذارد. مسئلهٔ مهم حوزهٔ تکنولوژی است. در این حوزه، سه نظریه یا سه دیدگاه عمده مطرح است. البته نظریات زیادی وجود دارد که می‌توان آنها را در سه حوزهٔ عمده خلاصه کرد:

۱. نظریهٔ جهت‌داری محض. این دیدگاه بدان معناست که تکنولوژی تلویزیون را کاملاً نفسی کنیم و آن را مهره ای از نظام سکولاریستی غرب بدانیم. این البته نظری افراطی است. این دیدگاه دارای یک تناقض درونی است؛ زیرا تلویزیون را مهره ای از یک سیستم دیگر می‌داند که اگر آن را در نظامی دینی به کار ببریم، کارکردهای آن نظام را خواهد داشت. این در حالی است که بینش سیستمی، این مسئله را به صراحت اعلام می‌کند که اگر اجزا و روابط چیزی را عوض کنید، کارکردهای آن نیز عوض می‌شوند. بنابراین، اگر ابزاری از یک مجموعه را بیابید و در جایی دیگر به کار ببرید، کارکردهای پیشین لزوماً پابرجا نخواهد ماند.

۲. نظریهٔ بی‌جهتی محض. این دیدگاه می‌گوید تلویزیون یک مهرهٔ خنثی و یک ابزار است، نه یک عامل تأثیرگذار و هوشمند. از این رو، می‌توانیم خود را به آن بسپاریم. این دیدگاه نیز دربارهٔ تلویزیون، دچار قضاوتی عجولانه شده و دیدگاهی تفریطی است. نمی‌توان تلویزیون را با این همه ابزار و کارکرد، درست پذیرفت و دربارهٔ آن چون و چرا نکرد. در حقیقت، دیدگاه اول و دوم در برابر تکنولوژی تلویزیون، دچار نوعی خودباختگی شده‌اند.

۳. نظریهٔ پذیرش مشروط. این دیدگاه پذیرش تکنولوژی تلویزیون را مشروط به شناخت قابلیت‌های آن می‌داند. بر اساس همین دیدگاه، می‌توان برخی کارکردهای تلویزیون را که در فرهنگ‌سازی موثر است، بررسی کرد.

۴. با توجه به این قابلیت پویایی فرهنگ و اینکه ممکن است تغییرات آن بسیار آرام و خاموش رخ دهند می‌توان به تلویزیون به عنوان ابزاری که توان اعمال این تغییرات چه در سوی مثبت و چه در سوی منفی را دارد پرداخت.



## الف) فراگیری

از جمله کارکردهای تلویزیون که موجب تأثیرگذاری آن بر فرهنگ‌ها می‌شود، توان فراگیری تلویزیون است. تلویزیون می‌تواند با مخاطبان گسترده‌ای ارتباط داشته باشد. این امکان دامنه تأثیرگذاری آن بر فرهنگ و فرهنگ‌سازی را بیشتر می‌کند. از این ویژگی مثبت، البته برخی کارکردهای منفی نیز نتیجه می‌شود. گاه فراگیری این تکنولوژی فرهنگ‌های بومی را تضعیف می‌کند. وقتی یک مرکز برای کل جامعه پیام می‌فرستد، اگر آرایش رسانه‌ای درستی ترتیب داده نشود، حوزه فرهنگ‌های بومی تضعیف می‌شود؛ زیرا یک زبان به طور ناخودآگاه غالب می‌شود و به تدریج، به زبان رسمی بدل می‌گردد. از سویی، این فراگیری می‌تواند موجب تغییر شیب فرهنگی به سمت کشورهای ثروتمند و صنعتی شود. در شرایطی که هشتاد درصد تولیدات جهانی سینما از آن کشورهای صنعتی است که تنها ۲۰ درصد جمعیت جهان را در خود جای داده‌اند، باید انتظار چنین تغییر شیبی را داشت. این تفاوت در سطح کیفی و کمی برنامه‌ها نیز دیده می‌شود. وجود منابع سرشار مالی و توان بالای کشورهای ثروتمند در جذب نخبه‌های هنری و فرهنگی دیگر ملل، آنها را در نقطه‌ای قرار می‌دهد که می‌توانند متناسب با هر ذوق و سلیقه‌ای و با بیشترین و بهترین ابزارهای لجستیکی ممکن، برنامه بسازند و خلأ فرهنگ‌های گوناگون را پر کنند.

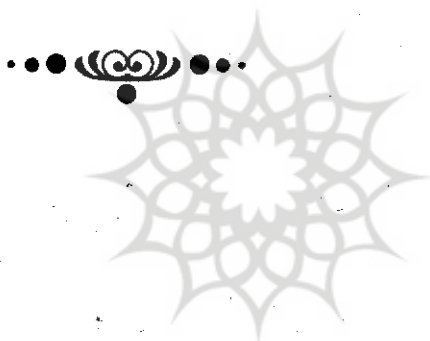
## ب) سرگرمی

رسانه تلویزیون از شش نشانه ارتباطی بهره می‌گیرد؛ تصویر، کلام، حرکت در تصویر، نوشتار، موسیقی و نظام آوایی. همه اینها را تلویزیون می‌تواند ترکیب کند و پیام‌های دلنشین و مؤثری ارائه دهد. این امکان دایره تأثیرگذاری تلویزیون را افزایش می‌دهد؛ ولی مانند امکان پیشین، از آن بهره برداری‌های منفی هم می‌شود. همچنان که این امکان وسیله‌ای برای آرام بخشی، تفریح و سرگرمی است، می‌تواند و البته توانسته است موجب رواج ناهنجاری‌های فرهنگی، اخلاقی و اجتماعی گردد. با نگاهی اجمالی به سینمای غرب، می‌توان دریافت که این سینما به



دلیل جذابیت‌محوری، به صورت روز افزون، به جنابیت‌های منفی روی آورده و موجب سقوط اخلاقی مخاطبان شده است.

دیگر کارکردهای فرهنگی تلویزیون به اختصار، از این قرار است:  
بهره برداری از مجاز و تمثیل، چرخه تکرار، استفاده از پیام‌های پنهان، برجسته سازی، مدیریت نظام‌مند پیام‌ها، منفعل سازی مخاطبان و اعتبار رسانه. این کارکردها می‌تواند هم در جهت سکولاریزاسیون و هم دین گستری مورد استفاده قرار گیرند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

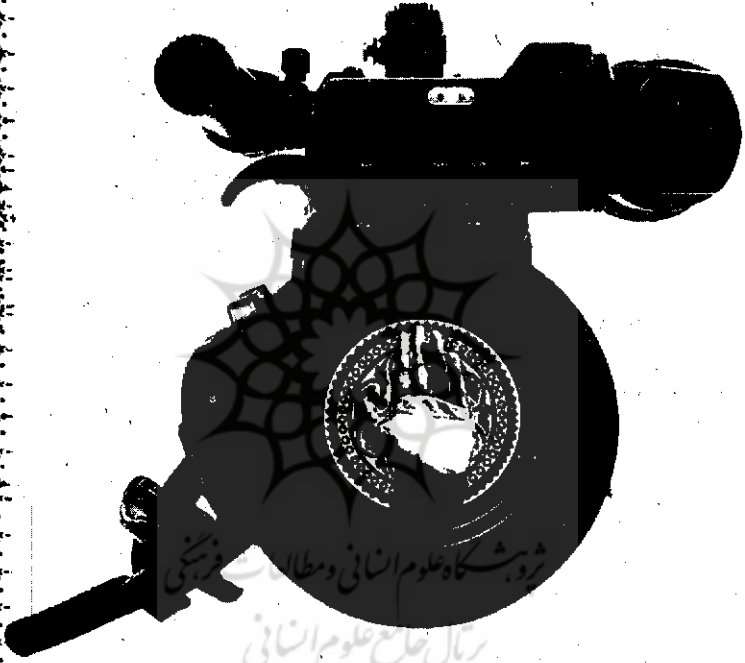
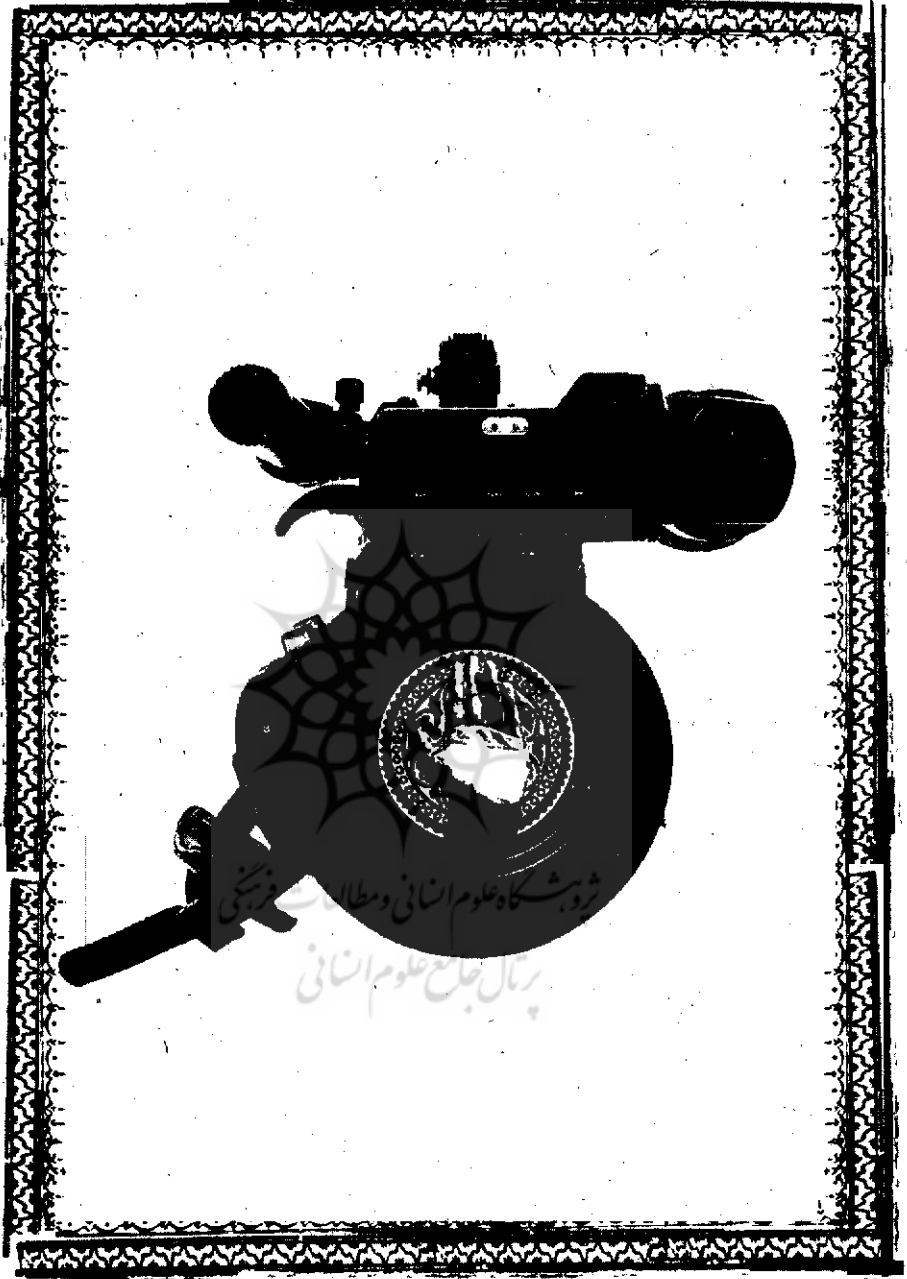


پروہش گاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

www.

ان  
میں



شروع کار علوم انسانی و مطالعات قرآنی  
پرنال جامع علوم انسانی